




## رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی

محمد حسین پناهی  استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### مقدمه سردبیر مجله

عنوان «رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی» از جهتی مناسب و از جهتی نامناسب است. تشبیه یک مجله علمی به درخت و سخن گفتن از رویدن و بالیدن آن، شاید از این جهت مناسب باشد که یک مجله علمی نیز نیاز به زمینه‌سازی، پایه‌گذاری، مراقبت، تغذیه و محیط مناسب برای رویش و بالندگی دارد؛ اما یک پدیده علمی آن استعداد درونی خدادادی را فاقد است که با تأمین شرایط مساعد طبیعی با استعداد درونی خود رشد و نمو کند، بلکه در همه زمینه‌های وجودی‌اش نیاز دائمی به مراقبت، توجه و بازسازی اجزا و محتوایش و انطباق با شرایط محیطی متغیر دارد. باغبانان یک چنین درختی باید همواره آن را در زمین اجتماع علمی موجود و مربوط پرورانده و باز تولید کنند تا رفته‌رفته در آن ریشه دوانده و رشد و نمو کنند خود را ادامه دهد و در بلندمدت به بار بنشیند تا مسیر ادامه حیات و بالندگی آن آسان‌تر گردد.

### رویدن فصلنامه علوم اجتماعی

مؤلف وقتی وارد فرایند رویش و بالندگی فصلنامه علوم اجتماعی شد که این نهال کاشته شده بود و ساقه و برگ‌های اولیه خود را درآورده بود. از شهریور ۱۳۶۹ که من وارد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی شدم، دوستان دیگری، از جمله دکتر مرتضی فرهادی، دکتر انور صمدی راد و مرحوم مهندس دیبایی، در دوره ریاست دانشکده دکتر سیف‌اله سیف‌اللهی، کاشتن و رویاندن این درخت را شروع کرده بودند، به طوری که در پاییز و زمستان سال ۱۳۷۰ شماره اول و دوم آن آماده انتشار شده بود. آنان که در کار رویاندن یک مجله علمی هستند می‌دانند از زمانی که بحث راه‌اندازی یک مجله علمی شروع می‌شود تا مرحله‌ای که شماره اول آن آماده انتشار می‌گردد، گاهی چند

سال طول می کشد؛ بنابراین، در پاییز سال ۱۳۷۰ که تازه مسئولیت معاونت آموزشی و پژوهشی دانشکده به عهده من گذاشته شده بود، بنا به صلاحدید مسئولان دانشگاه و دانشکده مسئولیت مدیرمسئولی و سردبیری فصلنامه علوم اجتماعی توأمان به بنده واگذار گردید. بدین ترتیب بنده سراپا تقصیر نیز در سال ۱۳۷۰، یعنی حدود ۳۲ سال قبل و قبل از انتشار اولین شماره فصلنامه علوم اجتماعی وارد تیم علمی این مجله شدم و در خدمت رویاندن و بالاندن این درخت علمی در آمدم. در شماره اول و دوم مجله دکتر مرتضی فرهادی با عنوان «دبیر هیئت تحریریه»، آقای انور صمدی راد با عنوان «مدیر اجرایی و ویراستار ارشد» و مرحوم آقای مهندس دیبایی به عنوان مشاور فنی، کادر علمی فصلنامه را تشکیل می دادند.

جالب توجه است که انتشار اولین شماره فصلنامه علوم اجتماعی، مصادف با چهلمین روز درگذشت استاد بزرگوارم دکتر غلامحسین صدیقی، بنیان گذار جامعه شناسی در ایران، بود. من و بسیاری دیگر از همکاران فصلنامه از دانش اجتماعی و جامعه شناسی دکتر صدیقی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بهره ها برده بودیم. مرحوم دکتر محمد عبداللهی، همکار گرامی ما در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، نیز در مراسم یادبود آقای دکتر صدیقی که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه، با حضور خانواده آقای دکتر صدیقی، برگزار شده بود مطالب جالبی را در ارتباط با ایشان و جامعه شناسی در ایران تحت عنوان «استاد دکتر غلامحسین صدیقی و جامعه شناسی در ایران» ایراد نمودند که در همین اولین و دومین شماره فصلنامه آمده است. یاد هر دوی این بزرگواران فقید گرامی باد که حق بزرگی بر گردن جامعه شناسی و جامعه شناسان ایران دارند.

در آن زمان هنوز زمینه و بستر مساعدی برای رشد و نمو یک مجله علمی در کشور وجود نداشت، خاصه این که کشور پس از انقلاب اسلامی ۸ سال جنگ تحمیلی طولانی مدتی را از سر گذرانده بود و دو سه سالی بیشتر از پایان جنگ تحمیلی نگذشته بود و جامعه انقلابی پس جنگ اولویت های مهم تر دیگری داشت. لذا در این شرایط اقدام به

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | ت

بنیان‌گذاری یک مجله علمی و سرپا و به‌روز نگهداشتن و انتشار مرتب آن کار بسیار سختی بود. در واقع، در آن زمان فصلنامه علوم اجتماعی اولین فصلنامه علمی تخصصی در علوم اجتماعی بود که پس از انقلاب و جنگ منتشر می‌شد. گویا هنوز «نامه علوم اجتماعی» دانشگاه تهران انتشار مجدد خود را پس از انقلاب شروع نکرده بود. این وضعیت هم دشواری و ناهمواری راه و هم اهمیت آن را در آن شرایط نشان می‌دهد. اگر پافشاری و پیگیری و دلسوزی‌های دوست عزیزم دکتر فرهادی نبود، چه‌بسا که این نونهال تازه رسته خشک می‌شد و ناکام از ادامه حیات می‌ماند!

در نتیجه، تیم کاری فصلنامه با همه تلاشی که انجام می‌داد که بتواند ۴ شماره در هر سال از فصلنامه را با مقالات کیفی مناسب منتشر کند، موفق نشد. در آن زمان هنوز نوشتن و چاپ مقالات علمی برای اعضای هیئت علمی دارای اولویت و اهمیت نبود، لذا یافتن مقالات مناسب و با کیفیت برای انتشار مرتب فصلنامه کار دشواری بود و باید تلاش زیادی به عمل می‌آوردیم تا استادان را ترغیب به نوشتن و ارائه مقاله برای فصلنامه می‌کردیم که پس از ارائه می‌باید از فیلتر داوری هم بگذرد و احتمال ردی را هم بپذیرد. چه کاری دشوارتر از این که با ترغیب و اصرار از همکاران و دوستان عزیز مقاله بخواهی و آنگاه پس داوری اعلام عدم پذیرش برای چاپ مقاله بکنی! لذا رشد و بالندگی نهال فصلنامه ما بسیار کند بود و حفظ و مراقبت و تداوم آن در این بستر نامساعد بسیار مشکل.

با توجه به دشواری این شرایط، شماره سوم و چهارم فصلنامه به‌جای این که در بهار و تابستان ۱۳۷۱ منتشر شود، در زمستان ۱۳۷۱ و بهار ۱۳۷۲ منتشر شد. در این مدت آقای صمدی راد هم برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شد و دکتر فرهادی علاوه بر دبیری هیئت تحریریه مسئولیت مدیر داخلی فصلنامه را نیز عهده‌دار گردید. شماره ۵ و ۶ فصلنامه نیز نتوانست به‌موقع منتشر شود و با تأخیر زیاد در پاییز و زمستان ۱۳۷۳ به چاپ رسید. به‌طور خلاصه، ۱۰ شماره اول فصلنامه علوم اجتماعی نتوانست به معنای دقیق کلمه فصلنامه باشد و عملاً سالنامه شد؛ زیرا که از پاییز ۱۳۷۰ که اولین شماره فصلنامه منتشر شد تا تابستان ۱۳۷۹ ما توانستیم فقط ۱۰ شماره از مجله را با کیفیت مطلوب منتشر کنیم. البته از شماره ۱۱

به بعد، یعنی از پاییز ۱۳۷۹ به بعد دیگر فصلنامه به همراه تحولات دیگر علمی در کشور، به بالندگی و توان و قدرت کافی دست یافت که بتواند به طور مداوم و فصلی منتشر شود. شاید بتوان دهه اول عمر فصلنامه علوم اجتماعی را دوره رویش تلقی کرد که با مشکلات زیاد توانستیم ۱۰ شماره از آن را منتشر کنیم. از شماره ۱۱ به بعد دیگر فصلنامه به نهالی برومند تبدیل شده بود و می توانستیم به ماندگاری آن امیدوار باشیم.

### بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی

از شماره ۱۱ به بعد وارد دوره بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی می شویم. در این دوره تغییراتی در تیم کاری فصلنامه اتفاق افتاد که خوب است ذکر شود. یکی این که مدتی بعد از این که این جانب مسئولیت دانشکده را عهده دار شده بودم، در واقع از شماره ۹ فصلنامه به بعد، مسئولیت سردبیری را دکتر فرهادی با کمال فروتنی و بزرگواری پذیرفتند و تا شماره ۷۷ فصلنامه به این همراهی و همگامی برای بالاندن درخت فصلنامه علوم اجتماعی ادامه دادند، حتی اگر بنده مسئولیتی در فصلنامه (از شماره ۴۷ تا ۶۱) نداشته‌ام. از شماره ۴۷ تا ۶۱ که دکتر هزارجریبی رئیس دانشکده علوم اجتماعی بودند، مسئولیت مدیرمسئولی مجله را نیز عهده دار بودند که از تلاش ایشان برای ادامه بالندگی فصلنامه قدردانی می گردد. مجدداً از شماره ۶۲ تا ۷۷ یعنی از پاییز ۱۳۹۲ تا تابستان ۹۶ این جانب به عنوان مدیرمسئول مجله ایفای نقش نمودم و دکتر فرهادی کماکان مسئولیت سردبیری مجله را عهده دار بودند. باید اقرار کرد که سهم دکتر فرهادی بزرگوار در کار رویاندن و بالاندن فصلنامه علوم اجتماعی بیشتر از هر کس دیگر بوده است، زیرا فقط ایشان از شماره اول تا ۷۷ یا از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶ پای ثابت فصلنامه بوده‌اند.

نکته مهمی که در تجربه همکاری این جانب و دکتر فرهادی که تا شماره ۷۷ مجله ادامه داشت، قابل ذکر است، این که این تفکیک رسمی و ظاهری مسئولیت‌ها به مدیرمسئول و سردبیر فقط ظاهر قضیه بود. در عمل چنین تفکیکی بی معنی بود، هر دوی ما با هماهنگی کامل هر چه که لازم بود برای رشد و بالندگی فصلنامه، انجام می دادیم. همکاری ما باهم همه جانبه و تمام عیار بود و تفکیک بردار نبود. هر دوی ما یک هدف داشتیم و آن این که

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | ج

فصلنامه علوم اجتماعی میدانی برای تولید و عرضه مقالات علوم اجتماعی با کیفیت مطلوب برای اصحاب و علاقه‌مندان و یا به‌طور کلی برای اجتماع علمی علوم اجتماعی کشور گردد؛ اما می‌دانیم که شکل و محتوا ارتباط نزدیکی باهم دارند و برای تحقق این هدف باید به شکل هم می‌پرداختیم و شیوه مناسبی در پذیرش و داوری علمی و گردش کار فصلنامه اتخاذ می‌کردیم. خوشبختانه در این زمینه هم دکتر فرهادی و مؤلف توافق کامل داشتیم و خط‌مشی یکسان و مکملی را دنبال می‌کردیم. درباره مسائل محتوایی فصلنامه بعداً بیشتر صحبت خواهیم کرد.

اما گروه کاری فصلنامه افرادی دیگری هم داشت. برای دو شماره ۹ و ۱۰ فصلنامه دکتر نعمت‌الله فاضلی به تیم ما به‌عنوان مدیر داخلی و ویراستار پیوستند و بعد از آن برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته و از فصلنامه جدا شدند. در همین دو شماره پروانه سلحشور نژاد به‌عنوان مسئول روابط عمومی فصلنامه ایفای نقش کردند که از شماره ۱۱ به بعد جای خودشان به اعظم افقی دادند که تا شماره ۳۲ فصلنامه ما را همراهی کردند. از شماره ۳۴ به بعد هم مرتضی سالمی به تیم فصلنامه پیوستند و تا شماره ۷۷ ابتدا در نقش مسئول روابط عمومی و سپس در نقش مدیر داخلی فصلنامه تلاش مؤثری در پیشبرد اهداف فصلنامه ایفا کردند. من همین‌جا از همکاری و تلاش همه این بزرگواران و افرادی دیگری که به‌عنوان ویراستار و حروف‌چین و صفحه‌آرا و غیره، ما را در رویش و بالندگی این درخت علمی یاری کردند قدردانی و تشکر می‌کنم.

از شماره ۷۸ به بعد تغییرات بیشتری در گروه مسئولین فصلنامه علوم اجتماعی ایجاد شد: دکتر سعید ذکایی مدیرمسئول، دکتر اردشیر انتظاری سردبیر و دکتر ابراهیم اخلاصی به‌عنوان مدیر داخلی شروع به کار بالاندن بیشتر مجله کردند. سردبیری دکتر انتظاری تا زمستان ۱۳۹۹ ادامه داشت تا این‌که از آن به بعد و یا از شماره ۸۹ مجدداً مسئولیت سردبیری فصلنامه علوم اجتماعی به این‌جانب واگذار گردید. نیز از زمستان ۱۴۰۱ به بعد دکتر پیری به‌جای دکتر اخلاصی وظیفه مدیر داخلی مجله را به عهده گرفتند. لذا لازم می‌دانم از همه این بزرگواران که نقش مؤثری در ادامه حیات و بالندگی این درخت علمی

داشتند تشکر و قدردانی نمایم. اکنون فصلنامه علوم اجتماعی با صاحب امتیازی دانشگاه علامه طباطبائی، مدیرمسئولی دکتر ذکایی، سردبیری این جانب و مدیر داخلی دکتر پیری به خدمت‌رسانی علمی خود به اجتماع علمی علوم اجتماعی کشور ادامه می‌دهد.

فصلنامه علوم اجتماعی در دوره رویش خود تا شماره ۱۰ به‌عنوان یک نشریه علمی تخصصی منتشر می‌شد و فاقد درجه علمی مشخصی بود. از شماره ۱۱ به بعد، در واقع از تاریخ ۷۹/۶/۱، درجه علمی ترویجی به آن داده شد. دلیل عمده اعطای درجه علمی ترویجی به جای علمی - پژوهشی عدم انتشار مرتب فصلنامه بود. قبلاً اشاره شد که ما می‌باید بین کیفیت علمی مجله و انتشار مرتب آن یکی را انتخاب می‌کردیم و مسئولین مجله حفظ کیفیت و استاندارد علمی مجله را ترجیح دادند؛ بنابراین، علی‌رغم این که محتوای مقالات فصلنامه در حد مجلات علمی - پژوهشی بود، اما به سبب عدم انتشار مرتب آن درجه علمی ترویجی به آن داده شد. ما هم با وجود ناراحتی زیادی که از این بابت داشتیم، وضعیت موجود را پذیرفتیم و تلاش کردیم با معرفی بیشتر فصلنامه و ترغیب همکاران علمی داخل و خارج از دانشگاه به ارائه مقالات کیفی تعداد مقالات دریافتی را افزایش دهیم تا فصلنامه بتواند فصلی منتشر شود. با مشکلات بسیار زیادی که داشتیم توانستیم این مهم را عملی کرده و از شماره ۱۱ به بعد فصلنامه را بدون وقفه فصلی منتشر کنیم تا بتوانیم درجه علمی پژوهشی را که شایسته فصلنامه علوم اجتماعی بود، برای آن و برای نویسندگان مقالات کسب نماییم.

با پیگیری‌های به‌عمل‌آمده کمیون نشریات وزارت علوم در شهریور ۱۳۸۶ درجه علمی پژوهشی به فصلنامه علوم اجتماعی اعطا کرد. در نتیجه، از لحاظ رسمی، فصلنامه علوم اجتماعی از شماره ۲۴ به بعد علمی - پژوهشی تلقی می‌شود. بدین ترتیب از شماره ۱۱ تا ۲۴ فصلنامه علوم اجتماعی را می‌توان دوره نهالی فصلنامه دانست. ولی از شماره ۲۵ به بعد که درجه علمی پژوهشی نیز به حق به آن اعطا گردید، فصلنامه پا به دوره بلوغ خود گذاشت و به درخت علمی تنومند و پرباری برای علوم اجتماعی کشور تبدیل شد؛ درختی که از آن زمان تاکنون میوه‌های علمی فراوانی را به اجتماع علمی کشور تقدیم نموده است

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | خ

(برای توضیحات بیشتر در این زمینه ر. ک. پناهی، هفده سال تلاش پیگیر، شماره ۳۶ فصلنامه علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۸۵). البته از کمی بعد، فصلنامه علوم اجتماعی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و سایر پایگاه‌های علمی مانند بانک نشریات کشور (Magiran)، مرکز اطلاعات و مدارک علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormags) و اخیراً در سیویلیکا (Civilica) نیز نمایه شده است.

یکی از ارکان اصلی هر مجله علمی هیئت تحریریه آن است که تعیین کننده سیاست و خط‌مشی علمی و شیوه‌گزینش و چاپ مقالات آن است. در ابتدای کار که مجله درجه علمی مشخصی نداشت و نامنظم چاپ و منتشر می‌شد، فاقد هیئت تحریریه ثابت بود و همکاران علمی تحت عنوان «مشاورین» در هر شماره متغیر بودند. از شماره ۹ به بعد، اعضای هیئت تحریریه تثبیت شدند؛ اما ۴ نفر از همان اول تا آخر ما را همراهی و یاری کرده و دعوت به صبوری کردند که لازم است نام برده شوند: آقایان کاظم معتمدنژاد، دکتر جواد یوسفیان، دکتر حسن سرایی و دکتر محسنیان راد. متأسفانه دو نفر اول ما را ترک کرده و به دیار باقی شتافتند و دو نفر دیگر تا آخر ما را از اندیشه و تخصص و حمایت خود بهره‌مند کرده‌اند که خداوند سلامتشان بدارد. به جز این ۴ بزرگوار، دوستان دیگری ما را در این مسیر یاری دادند که متأسفانه بعضی از آنان مرحوم شده و بعضی دیگر در قید حیات پربرکت خود هستند که از همه آنان قدردانی می‌شود. البته عنداللزوم هیئت تحریریه برای مطابقت با آیین‌نامه‌های وزارت علوم و دانشگاه تغییراتی می‌کرده است. در نتیجه، در این مدت طولانی دوستان زیادی به‌عنوان هیئت تحریریه ما را برای مدتی یاری داده و حمایت کرده‌اند که بردن نام آنان باعث اطاله کلام می‌شود. ولی طبعاً، هر یک اثر خود را در رویش و بالندگی و ماندگاری این درخت علمی گذاشته‌اند که از همه آنان تشکر و قدردانی می‌نمایم.

### خط‌مشی فصلنامه علوم اجتماعی

اکنون لازم است به سیاست و خط‌مشی علمی حاکم بر فصلنامه علوم اجتماعی در این مدت طولانی که دکتر فرهادی و بنده و سایر مسئولین مجله در کنار اعضای محترم هیئت

تحریریه به این فعالیت علمی مشغول بوده‌ایم، اشاره شود. از لحاظ فراگیری، از اول فصلنامه را متعلق به کل کشور و میدانی برای طرح مسائل علمی و اجتماعی کشور از طریق همه محققان کشور تلقی کردیم و از نگاه تنگ‌نظرانه دانشکده‌ای و دانشگاهی اجتناب کردیم. بنا را بر این گذاشتیم که هر کسی از هر دانشگاهی و شهری و با هر رتبه و سابقه علمی مقاله‌ای ارزشمند در جهت شناختن و شناساندن مسائل علمی و اجتماعی کشور به فصلنامه ارسال کند، آن را با داوری منصفانه‌ای بررسی کرده و منتشر کنیم. مؤلف در یادداشتی که به‌عنوان مقدمه برای شماره‌های ۳ و ۴ فصلنامه نوشته است، ضمن تأکید بر اهمیت علوم اجتماعی در بازسازی ایران پس از انقلاب، خط‌مشی فصلنامه را چنین اعلام کرده است:

به‌جرت می‌توان گفت که امروزه در جامعه ما هم میدان‌های وسیعی برای تحقیقات در زمینه‌های علوم اجتماعی وجود دارد و هم نیاز فراوان و همه‌جانبه بدان‌ها احساس می‌شود؛ بنابراین، با عنایت بیشتر به این علوم و به مسائل فرهنگی جامعه و با فراهم شدن امکانات تحقیقی بیشتر اکنون بر ماست که مسئولیت سنگین خود را به‌عنوان اندیشمندان متولی این علوم در ایران بپذیریم و چگونگی کاربرد این علوم را در پاسخگویی به نیازهای جامعه‌مان و مسائل زمانمان نشان دهیم؛ و اگر این فصلنامه بتواند میدانی برای عرضه نتایج تحقیقات علمی پژوهشگران در علوم اجتماعی و مسائل اجتماعی کشورمان و وسیله‌ای برای انتقال آن‌ها به دیگران باشد رسالت خود را انجام داده است (پناهی، ۱۳۷۲: ۶-۷).

پیرو همین دیدگاه و خط‌مشی، این‌جانب در سخن آغازین شماره‌های ۵ و ۶ فصلنامه درباره لزوم جامع‌نگری در مسائل اجتماعی و اجتناب از تخصص‌گرایی مفرط، ضرورت تحقیقات اجتماعی بومی را مورد تأکید قرار داده و جهت‌گیری و نقش فصلنامه علوم اجتماعی را در این زمینه به شرح زیر مطرح نموده است:

ساختن و اصلاح یک جامعه نیاز مبرمی به مطالعات توصیفی و تبیینی همه‌جانبه علوم اجتماعی دارد تا راه را برای سیاست‌گذاری جامع و عملی بنماید. از آنجاکه چنین مطالعاتی تنها به وسیله دانشمندان داخلی و در آشنا امکان‌پذیر

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | ۵

است، از یک طرف ضرورت توجه بیشتر به رشد و توسعه علوم اجتماعی و ارتقاء آن به جایگاه مناسبش را الزامی می‌نماید و از سوی دیگر توجه بیشتر اصحاب این علوم را به واقعیت‌های اجتماعی ایران به کمک مطالعات علمی و جامع بومی می‌طلبد...

فصلنامه علوم اجتماعی سعی دارد با ارائه نقطه نظرات و نتایج تحقیقات علمی صاحب‌نظران علوم اجتماعی کشور قدمی در راه طرح و بررسی علمی و جامع مسائل اجتماعی ایران و روشن نمودن اهمیت و جایگاه علوم اجتماعی در کشور بردارد... (پناهی، ۱۳۷۳: ۶-۷).

بدین سان خط‌مشی فصلنامه علوم اجتماعی از آغاز بر ارجحیت دادن به مسائل علمی و اجتماعی کشور متمرکز بوده و رسالتی ملی برای خود در نظر گرفته است که در این باره همه دست‌اندرکاران فصلنامه اشتراک نظر داشته‌اند و ما تاکنون این خط‌مشی را پی گرفته‌ایم. بعلاوه، فصلنامه علوم اجتماعی همه موضوعات علوم اجتماعی به معنای خاص (شامل جامعه‌شناسی، ارتباطات اجتماعی، توسعه و رفاه اجتماعی، جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی، زنان و خانواده، مددکاری اجتماعی، مطالعات فرهنگی و سایر موارد) را در بر می‌گیرد. مطالعاتی که روی مقالات فصلنامه علوم اجتماعی انجام شده است و بعضاً در شماره‌های مختلف خود مجله آمده است، می‌تواند تأییدی بر این مدعا باشد (ر. ک. سالمی قمصری، ۱۳۸۷؛ و سالمی قمصری، ۱۳۹۴؛ و پیری، ۱۴۰۲). مقاله‌شناسی شماره ۱ تا ۱۰۰ نشان می‌دهد که در ۱۰۰ شماره فصلنامه علوم اجتماعی ۶۸۱ مقاله منتشر شده است که به‌طور میانگین در هر شماره ۶/۸ مقاله می‌شود. جدول زیر نحوه توزیع مقالات ۱۰۰ شماره را در موضوعات مختلف علوم اجتماعی نشان می‌دهد:

ردیف	موضوع اصلی	موضوع فرعی	تعداد مقالات	درصد
۲	ارتباطات و رسانه	-	۹۱	۱۳/۴
۳	توسعه، رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی	-	۶۳	۹/۳
۴	جامعه‌شناسی		۲۶۲	۳۸/۵
۱-۴		جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی	(۳۲)	
۲-۴		جامعه‌شناسی اقتصادی	(۱۴)	
۳-۴		جامعه‌شناسی آموزش و پرورش	(۱۰)	
۴-۴		جامعه‌شناسی پزشکی و سلامت	(۷)	
۵-۴		جامعه‌شناسی سیاسی	(۷۰)	
۶-۴		جامعه‌شناسی دین	(۳۲)	
۷-۴		جامعه‌شناسی فرهنگی	(۲۹)	
۸-۴		جامعه‌شناسی قشریندی اجتماعی	(۵)	
۹-۴		جامعه‌شناسی معرفت	(۳۵)	
۱۰-۴		سایر موضوعات جامعه‌شناسی	(۲۸)	
۵	جمعیت و مهاجرت	-	۱۴	۲/۰
۶	روش‌شناسی	-	۱۳	۲/۰
۷	زنان و خانواده، مطالعات جنسیت	-	۸۲	۱۲/۰
۸	مردم‌شناسی	-	۵۲	۷/۶
۹	مددکاری و روانشناسی اجتماعی	-	۱۸	۲/۶
۱۰	مطالعات فرهنگی	-	۱۹	۲/۸
۱۱	کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی	-	۶۴	۹/۴
۱۲	سایر موضوعات	-	۳	۰/۴
	جمع مقالات ۱۰۰ شماره مجله		۶۸۱	۱۰۰/۰

• این جدول با اصلاحاتی از مقاله دکتر پیری (پیری: ۱۴۰۲) ساخته شده است.

قبل از اشاراتی به جدول فوق لازم است به این نکته توجه داده شود که طبقه‌بندی مقالات کار مشکلی است، زیرا غالب مقالات حاوی ابعاد مختلفی بوده و ممکن است بنا بر دیدگاه افراد در رده‌های متفاوتی قرار بگیرند. لذا نمی‌توان چنین طبقه‌بندی را جامع و مانع و بدون

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | ز

اشکال دانست. در عین حال بر اساس غلبه موضوعی مقالات می‌توان به‌طور نسبی آن‌ها را طبقه‌بندی کرد. جدول فوق نشان می‌دهد، بیشترین مقالات چاپ‌شده در ۱۰۰ شماره مجله (۳۸/۵ درصد) متعلق به گرایش‌های مختلف جامعه‌شناسی است. در رده بعدی ارتباطات و رسانه قرار دارد که ۱۳/۴ درصد مقالات متعلق به آن است و در ردیف سوم موضوعات مربوط به زنان و خانواده با ۱۲ درصد مقالات قرار می‌گیرد. موضوعات مربوط به توسعه و رفاه اجتماعی در رده چهارم قرار گرفته است. شاید این رده‌بندی را بتوان تاحدی منطبق بر اولویت این موضوعات در جامعه علمی علوم اجتماعی کشور دانست. در بین موضوعات جامعه‌شناختی، بیشترین تمرکز بر روی جامعه‌شناسی سیاسی است که نشان‌دهنده اهمیت بالایی وضعیت سیاسی جامعه برای اندیشمندان اجتماعی است. در رده بعدی مقالات مربوط به جامعه‌شناسی معرفت قرار گرفته است که جای توجه ویژه دارد. رده سوم به‌طور مشترک متعلق به انحرافات اجتماعی و جامعه‌شناسی دین است که هر دو از موضوعات مورد توجه اصحاب علوم اجتماعی کشور است. جامعه‌شناسی فرهنگی نیز در رده چهارم توجه قرار داشته است که اولویت مسائل فرهنگی جامعه را برای محققان علوم اجتماعی نشان می‌دهد. به‌طور کلی، رده‌بندی مقالات فوق در مجله، با توجه به جنبه ملی فصلنامه علوم اجتماعی، بیانگر اولویت موضوعات علوم اجتماعی برای اصحاب علوم اجتماعی کشور است و از منظر جامعه‌شناسی حائز اهمیت فراوانی است.

### داوری مقالات و مشکلات آن

یکی از مسائل اساسی که مجلات علمی و از جمله فصلنامه علوم اجتماعی در ایران با آن مواجه بوده و هستند، موضوع داوری علمی و منصفانه مقالات دریافت شده است. در این زمینه، خط‌مشی فصلنامه علوم اجتماعی اعمال داوری منصفانه و تخصصی برای بررسی همه مقالات دریافتی، به شکل محرمانه یا بی‌نام، بوده است؛ که مجریان مجله و اعضای هیئت تحریریه، در آن اشتراک نظر داشته و با دقت آن را از آغاز کار فصلنامه اعمال کرده‌اند. جالب‌توجه است که این خط‌مشی حتی درباره مقالات ارائه‌شده از جانب اعضای هیئت تحریریه و مسئولان فصلنامه جدی‌تر از سایرین اعمال شده است که گاهی خود باعث

رنجش بعضی از دوستان و همکاران گرامی گردیده است. برای اعمال این سیاست، با توجه به این که داوران محترم به یک اندازه دقت و سخت گیری بکار نمی‌برند، سعی بر این بوده است که در انتخاب داوران دقت و افری به عمل آید که سه دوار تعیین شده متعادل باشند تا به کسی در تصمیم گیری برای پذیرش مقاله اجحاف نشود. حتی داورانی که سهل-گیری زیادی در قضاوت داشتند از فهرست داوران حذف می‌شدند تا از منصفانه بودن و دقت علمی داوری مطمئن شویم.

یکی از راه‌های جلوگیری از اعمال نظر در انتخاب داوران، واگذاری آن به هیئت تحریریه به جای مسئولان فصلنامه‌ها است. برای این منظور، در فصلنامه علوم اجتماعی از آغاز کار حتی الامکان انتخاب داوران و نهایی کردن پذیرش مقالات به هیئت تحریریه واگذار شده است. این شیوه کار، مستلزم تشکیل مرتب و به موقع جلسات هیئت تحریریه است که با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. در نتیجه در اکثر فصلنامه‌های کشور، تعیین داور توسط سردبیر یا مجریان مجلات انجام می‌شود و ماه‌ها جلسات هیئت تحریریه تشکیل نمی‌شود؛ اما در فصلنامه علوم اجتماعی با توجه به اهمیت نقش هیئت تحریریه در این زمینه و با توجه به خط‌مشی داوری منصفانه، همواره جلسات هیئت تحریریه به‌طور مرتب تشکیل شده و تعیین داوران و نظر نهایی درباره پذیرش مقالات توسط آن صورت گرفته است تا از اعمال نظرهای آشکار و پنهان درباره نوع داوری و پذیرش مقالات جلوگیری شود. در واقع، یکی از مهم‌ترین نکات مثبت فصلنامه علوم اجتماعی که سبب ارتقای علمی و اعتماد و اطمینان اجتماع علمی کشور به آن شده، همین خط‌مشی مبتنا به هیئت تحریریه و جدیت و دقت در داوری مقالات بوده است، به‌طوری که اکثر همکاران با طیب خاطر نتیجه داوری مقاله خود را می‌پذیرند. البته گاهی نیز سبب دلخوری و رنجش بعضی از همکاران می‌شده است.

یک نکته مهم دیگر در داوری جدی و منصفانه و تخصصی مقالات فصلنامه علوم اجتماعی این بوده است که تعداد بسیار زیادی از متخصصان علوم اجتماعی سراسر کشور به‌عنوان داوران مقالات این فصلنامه با آن همکاری کرده‌اند. بانک فهرست داوران فصلنامه

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | ش

علوم اجتماعی در کمتر مجله علمی کشور وجود دارد؛ به عبارت دیگر، این خط‌مشی سبب مشارکت علمی بیشتر متخصصان علوم اجتماعی کشور در رشد و بالیدن و جلب اعتماد متخصصان به فصلنامه علوم اجتماعی گردیده است. به جرئت می‌توان ادعا کرد که خط‌مشی مجله در رابطه با داوری جدی و منصفانه و تخصصی مقالات دریافتی و مشارکت وسیع صاحب‌نظران در این زمینه، یکی از عوامل اصلی رشد و بالندگی و تبدیل شدن فصلنامه علوم اجتماعی به یک مجله تراز بالا و مؤثر علمی کشور بوده است و در عین حال، همین جدیت در داوری تخصصی گاهی سبب عقب افتادن انتشار نشریه نیز گردیده است.

در اینجا لازم است به یک معضل اساسی اکثر مجلات کشور، از جمله فصلنامه علوم اجتماعی، هم اشاره بشود که باید برای آن چاره‌اندیشی شود و آن عدم داوری به موقع یا طولانی بودن فرایند داوری مقالات توسط داوران متخصص است (ابویی اردکان و سایرین، ۱۳۹۱). این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که متأسفانه برای داوری جدی و تخصصی مقالات که وقت قابل توجهی نیاز دارد، امتیاز علمی و جبران مادی لازم داده نمی‌شود که منجر به عدم قبول داوری یا داوری کند و با تأخیر زیاد می‌گردد. کندی داوری مقالات تبعات نامطلوب علمی زیادی برای کشور دارد که از میان آن‌ها می‌توان به عدم پاسخ‌دهی به موقع به مؤلفان مقالات، به تأخیر افتادن امور علمی کشور درباره دفاع رساله‌ها و ترفیع و ارتقای استادان و اتمام پروژه‌های پژوهشی، عدم انتشار به موقع مجلات علمی کشور، مشکلات عدیده برای مسئولان مجلات علمی و غیره اشاره کرد. به طور کلی، می‌توان گفت لاینحل ماندن کندی داوری مقالات علمی سبب کاهش سرعت چرخه علمی کشور و آسیب‌رسانی زیاد به تولید علمی کشور می‌گردد که مسئله‌ای قابل حل با اصلاح آیین‌نامه‌های مربوط می‌باشد؛ اما متأسفانه علی‌رغم آگاهی همه مسئولان علمی کشور از این معضل هنوز اقدامی مؤثر برای رفع آن به عمل نیامده است!

### چاپ و انتشار فصلنامه

یکی دیگر از خط‌مشی‌های مجله در دسترس قرار دادن مجله با کمترین هزینه و یا بدون هزینه برای نویسندگان مقالات و خوانندگان مجله بود. بعضی از مجلات برای تأمین هزینه

چاپ و انتشار به ناچار از مؤلفین مقالات هزینه‌ای دریافت می‌کنند و قیمت معقولی هم برای خوانندگان مجله در نظر می‌گیرند. خط‌مشی فصلنامه علوم اجتماعی این بود که حتی‌الامکان هزینه‌ای از مؤلفین مقالات دریافت نکنند. این کار بدون پشتیبانی مالی دانشگاه برای تأمین هزینه چاپ و داوری و غیره امکان‌پذیر نبود. مسئولین و معاونین پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی با توجه به علاقه‌ای که برای گسترش تولیدات علمی علوم اجتماعی و انسانی داشتند، مجلات دانشگاه را از بودجه پژوهشی پشتیبانی می‌کردند تا مجلات ناچار به تحمیل هزینه برای مؤلفین نباشند. حتی برای شماره‌هایی دانشگاه موافقت کرده بود که برای مؤلفین مقالات مبلغی هم پرداخت شود. همین‌طور، در رابطه با قیمت فروش مجله نیز خط‌مشی مجله این بود که با نازل‌ترین قیمت ممکن مجله را در اختیار دانشجویان و استادان علاقه‌مند این حوزه علمی قرار دهد که با حمایت دانشگاه سیاست موفق‌تری برای رشد و نمو این پدیده علمی بوده است. بدون این سیاست، رشد و بالندگی این نهاد ارزشمند کندتر می‌شد. لازم می‌دانم همین‌جا از حمایت مالی بی‌دریغ مسئولین دانشگاه علامه طباطبایی قدردانی و تشکر کنم که به نظر من از بهترین سرمایه‌گذاری‌های علمی دانشگاه علامه به‌عنوان دانشگاه تخصصی علوم انسانی بوده است که سبب باروری دانشگاه و علوم اجتماعی کشور شده است. این سیاست توانست تا شماره‌های هفتاد مجله ادامه داشته باشد، اما از آن به بعد دانشگاه ناچار به اخذ مبلغی برای داوری و انتشار فصلنامه شده است. به‌علاوه، با توجه به توسعه اینترنت و فضای مجازی در کشور، مجله علوم اجتماعی نیز همانند بسیاری دیگر از مجلات کشور از طریق فضای مجازی و بدون دریافت وجهی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است و انتشار کاغذی مجله، با توجه به گرانی کاغذ و عدم ضرورت آن، بسیار محدود گردیده است.

### ویژه‌نامه‌های فصلنامه علوم اجتماعی

فصلنامه علوم اجتماعی گاهی به انتشار ویژه‌نامه‌هایی مبادرت ورزیده است که جا دارد به آن‌ها هم نگاهی بیندازیم. همان‌طور که این‌جانب در مقدمه فصلنامه شماره ۳۶ اشاره کرده‌ام، ویژه‌نامه‌ها علاوه بر این که جهت‌گیری علمی و حساسیت‌های دست‌اندرکاران مجلات

علمی را نشان می‌دهند، به محققان حوزه مربوط و نیز به مدرسان درس‌های مربوط کمک می‌کنند که مجموعه‌ای از مقالات تخصصی موردعلاقه خود را یکجا در اختیار داشته باشند. اولین ویژه‌نامه مجله شماره ۱۹ آن است که «ویژه‌نامه مشارکت سیاسی زنان» می‌باشد. جالب‌توجه است که این‌جانب در سال ۱۳۸۰ مسئول ایجاد و راه‌اندازی گروه مطالعات زنان در دانشگاه علامه بوده و در سال ۱۳۸۱ دبیر علمی همایش بین‌المللی «مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی» بوده‌ام؛ و در همین سال ویژه‌نامه مشارکت سیاسی زنان در مجله منتشر شد. تقارن این رویدادها می‌تواند علاقه و حساسیت مسئولین فصلنامه را نسبت به مسائل زنان و وضعیت آنان در جامعه ایران نشان دهد که حاکی از اهمیت مشارکت سیاسی زنان ایرانی است. همین‌طور، این ویژه‌نامه نشان‌دهنده علاقه خاص هیئت تحریریه مجله و سایر مسئولان مجله به مسائل و وضعیت زنان کشور می‌باشد که در یادداشت این‌جانب در مقدمه این شماره منعکس شده است:

به جرئت می‌توان گفت، در فرایند تحولات اجتماعی همواره قشر یا طبقه‌ای که فعالانه در احقاق حقوق اجتماعی خود عمل نکند نمی‌تواند به حق و حقوق مناسب خود دست یابد؛ به عبارت دیگر، میزان حق و حقوقی که یک قشر اجتماعی در جامعه پیدا می‌کند متناسب است با میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی او. بدین‌سان، بر اساس قواعد حاکم بر تحولات اجتماعی، میزان تبعیض در یک جامعه بر علیه قشر یا طبقه اجتماعی خاص با میزان فعالیت سیاسی و اجتماعی آن رابطه دارد؛ بنابراین، رفع تبعیض و بی‌عدالتی بر علیه یک قشر یا طبقه در یک جامعه بدون تبدیل شدن آن به یک نیروی واقعی اجتماعی و سیاسی بسیار غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. بدین معنا ارتقای مشارکت سیاسی زنان در جامعه نقش اساسی در رفع تبعیض علیه زنان و عادلانه‌تر کردن جامعه ایفا خواهد کرد و رشد فردی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی متوازن‌تر و عادلانه‌تری را سبب خواهد شد. با توجه به اهمیت وضعیت مشارکت سیاسی زنان در جامعه ایران، مطالعه میزان مشارکت سیاسی زنان و عوامل مؤثر بر آن بسیار حائز اهمیت می‌باشد. لذا بر آن شدیم که شماره ۱۹ فصلنامه علوم اجتماعی را به ویژه‌نامه‌ای درباره مشارکت سیاسی زنان اختصاص دهیم... (پناهی، ۱۳۸۱: ۲).

توجه دست‌اندرکاران فصلنامه علوم اجتماعی نسبت به موضوع پراهمیت مشارکت اجتماعی و سیاسی قابل تأمل است؛ چراکه شماره ۲۶ فصلنامه هم در قالب ویژه‌نامه‌ای به موضوع مشارکت سیاسی و اجتماعی (همکاری و یاریگری) اختصاص یافته است که در آن مقالاتی از دوست دانشمند دکتر فرهادی، دکتر فکوهی، دکتر وثوقی، دکتر حسنی و مقاله مشترک این‌جانب با دکتر یزدان پناه در این رابطه آمده است. دکتر فرهادی خود با تأکید خاصی که به موضوع همیاری و مشارکت دارند، در نوشته‌های خود فراوان به این موضوع پرداخته‌اند.

ویژه‌نامه علوم ارتباطات در شماره‌های ۲۸ و ۲۹ فصلنامه زمستان ۱۳۸۳ هم جای توجه ویژه‌ای دارد، خاصه این‌که در این شماره به مناسبت مقدمات بازگشایی دانشکده علوم ارتباطات توجه خاصی به استاد گران‌قدر ارتباطات مرحوم دکتر کاظم معتمدنژاد شده است. دوست ارجمند و اندیشمند دکتر مهدی محسنیان راد در مقدمه‌ای بر این ویژه‌نامه در رابطه با بزرگداشت استاد معتمد نژاد حق مطلب را ادا کرده‌اند، وقتی نوشته‌اند:

فرزندان پدر علوم ارتباطات ایران، دی‌ماه ۱۳۸۳ نشان دادند که در حد توانشان می‌خواهند درباره ابعاد دین خود به او سخن بگویند و همه شاهد بودیم که سالن اجتماعات همان موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی که حالا سالن اجتماعات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی شده بود، میزبان آدم‌هایی از طیف‌های سیاسی مختلف و گاهی متضاد بود که آمده بودند هم از او تجلیل کنند و هم دانشکده منحل شده‌اش را فعلاً در حد نصب یک تابلو، به او بازگردانند (محسنیان راد، ۱۳۸۴: ۵).

ویژه‌نامه بسیار مهم و خاص دیگر فصلنامه، ویژه‌نامه «گیاه مردم‌شناسی» است که در شماره‌های ۳۴ و ۳۵ فصلنامه در تابستان و پاییز ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. دکتر فرهادی، به‌عنوان سردبیر وقت مجله، در مقدمه‌ای بر این ویژه‌نامه اهمیت آن را برای کشور توضیح داده و حق مطلب را در این باره ادا کرده‌اند (فرهادی: ۱۳۸۵)؛ اما لازم است تأکید شود، همچنان که مؤلف در مقدمه فصلنامه شماره ۳۶ (زمستان ۱۳۸۵) اشاره کرده است، ویژه‌نامه «گیاه مردم‌شناسی» ویژه‌نامه‌ای بی‌نظیر است که دکتر فرهادی با جان‌ودل و با صرف وقت

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | ظ

زیاد آن را طرح و پیگیری کردند و در درخت برومند فصلنامه علوم اجتماعی به بار نشانند تا بقول ایشان میوه نارس گیاه مردم‌شناسی ایران را به اجتماع علمی کشور معرفی کنند، باشد که روزی این میوه نارس به میوه‌ای رسیده و سپس به نونهال و درخت تنومندی تبدیل شود.

ویژه‌نامه دیگری که خیلی حائز اهمیت است و مورد استقبال خوانندگان فصلنامه علوم اجتماعی قرار گرفته است، ویژه‌نامه انقلاب اسلامی است که به مناسبت سی‌امین سال انقلاب اسلامی تهیه و در دو شماره ۴۲-۴۳ مجله منتشر شده است. در مقدمه‌ای که این قلم برای این ویژه‌نامه نوشته است، ضمن اشاره به اهمیت انقلابات در تغییر و تحولات اجتماعی و وقوع غیرمنتظره انقلاب اسلامی و پایداری آن، توجه محققان و اندیشمندان کشور را به مطالعه جدی‌تر و همه‌جانبه انقلاب اسلامی جلب کرده است؛ چراکه این انقلاب نظریه‌های موجود انقلاب را به چالش کشید و نظریه‌پردازان را وادار به مطالعات بیشتر و نظریه‌پردازی جدیدتری در این حوزه نمود که برخی این موج جدید نظریه‌پردازی را به نسل چهارم مطالعات انقلاب تعبیر می‌کنند (پناهی، ۱۳۸۷؛ Foran, 1993).

خوشبختانه فراخوان فصلنامه برای دریافت مقالات مربوط به انقلاب اسلامی، مورد استقبال اندیشمندان این حوزه قرار گرفت و مقالات قابل توجهی به فصلنامه ارسال شد که پس از داوری‌های انجام گرفته ۱۲ مقاله برای انتشار آماده شد. مقالات پذیرفته‌شده در سه حوزه تبیین وقوع انقلاب اسلامی، فرایند انقلاب اسلامی و پیامدهای انقلاب اسلامی بودند که به همین ترتیب در ویژه‌نامه آمده‌اند. باید اذعان کنم که مقالات این مجموعه از بهترین مقالات داخلی هستند که درباره انقلاب اسلامی نگاشته شده‌اند و می‌توانند برای علاقه‌مندان این حوزه دستمایه ارزشمندی از مطالعات انقلاب اسلامی محسوب شوند. از آنجا که مقالات پذیرفته‌شده می‌توانست دو شماره از فصلنامه را شامل شود، تصمیم گرفته شد شماره‌های ۴۲ و ۴۳ فصلنامه باهم چاپ‌شده و به این ویژه‌نامه اختصاص یابد تا علاقه‌مندان به مطالعات انقلاب اسلامی بتوانند در یکجا به همه این مقالات دسترسی داشته

باشند. این ویژه‌نامه در عین حال با حدود ۵۰۰ صفحه حجیم‌ترین شماره فصلنامه علوم اجتماعی تا این زمان بوده است.

اما نمی‌شود از ویژه‌نامه‌ها سخن گفت ولی ویژه‌نامه آب را از قلم انداخت که در شماره ۷۷ (تابستان ۱۳۹۶) با تلاش بسیار زیاد دکتر فرهادی، سردبیر محترم مجله، منتشر شده است. با توجه به اهمیت مسئله آب که امروزه بیش از ۸ سال قبل روشن شده است، دکتر فرهادی تلاش زیادی بکار بردند که هم اعضای هیئت تحریریه مجله را متقاعد کنند و هم مقالات وزینی را برای ویژه‌نامه جذب کنند؛ که لازم است قدردانی ویژه‌ای از طرف مسئولان مجله از ایشان بشود. این ویژه‌نامه در ۹ مقاله بار دیگر نشان داد که فصلنامه علوم اجتماعی و دست‌اندرکاران آن به مسائل اساسی کشور توجه خاصی مبذول می‌دارند و به-راحتی و بی‌توجه از کنار آن‌ها عبور نمی‌کنند.

### کارکرد و کیفیت مجلات علوم اجتماعی

در بقیه این نوشتار می‌خواهم نگاهی فراتر از مجله فصلنامه علوم اجتماعی و خط‌مشی آن و طبعاً مجلاتی همانند آن، داشته و قدری به جامعه‌شناسی علم مجلات علوم اجتماعی و انسانی پردازم. یکی از زمینه‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی علم بررسی خاستگاه اجتماعی، نهادی و سازمانی نشریات علمی و محتوا و کارکرد آن‌هاست. بدون وجود نشریات علمی انتشار تولیدات علمی دانشمندان با مشکل جدی مواجه می‌شود. درست است که دانشمندان می‌توانند تولیدات علمی خود را در قالب کتب منتشر کنند، اما کتاب به‌تنهایی برای نشر روزآمد تولیدات علمی کافی نیست. بعلاوه، محتوای کتاب‌ها غالباً متکی به مقالات علمی هستند؛ به‌عبارت‌دیگر، مطالب نشریات و مقالات علمی روزآمدتر از مطالب کتاب‌ها است، به همین علت اهمیت نشریات علمی با کیفیت و با استاندارد بالا، مهم‌تر از کتاب‌ها می-باشد؛ خاصه این که چاپ مقالات در نشریات معتبر علمی منوط به داوری تخصصی و بی‌نام است که معمولاً در مورد کتاب‌ها اعمال نمی‌شود؛ بنابراین، اگر بخواهیم وضعیت تولید، رشد و توسعه علمی کشوری را در هر زمینه‌ای بررسی کنیم طبعاً باید به نشریات آن حوزه و کیفیت آن‌ها مراجعه شود.

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | غ

به دیگر سخن، کیفیت مقالات نشریات علمی از یک طرف نشان‌دهنده بضاعت علمی محققان آن حوزه است، از طرف دیگر ایجاد‌کننده انگیزه لازم برای تحقیق علمی با استاندارد قابل قبول و نیز روشنگر چشم‌انداز مطالعات آینده در آن زمینه است. اگر بنا باشد نشریات علمی، هر سطح از مقالات را بدون داوری تخصصی منتشر کنند، خود از عوامل عقب‌ماندگی علمی آن عرصه خواهند بود و انگیزه لازم را برای محققین و مؤلفین جهت بالا بردن استاندارد تولیدات خود از بین خواهند برد. از طرفی اگر استاندارد تعیین شده برای پذیرش و چاپ مقالات از حد متوسط بضاعت علمی اندیشمندان آن حوزه بسیار بالاتر باشد، موجب عدم انتشار منظم مجله و سرخوردگی علمی محققان خواهد شد. این رابطه متقابل بین انتظارات دست‌اندرکاران نشریات علمی و توانایی علمی محققان آن عرصه باید طوری تنظیم شود که سبب ارتقای دائمی تولیدات علمی کشور شود. نقش تعیین‌کننده دست‌اندرکاران مجلات علمی، اعم از هیئت تحریریه، سردبیر، مدیرمسئول و مدیر داخلی مجلات علمی در توسعه علمی آن حوزه از همین جا آشکار می‌شود. به نظر مؤلف، بهترین وضعیت آن است که سطح انتظار نشریات علمی تا حدی بالاتر از متوسط بضاعت و توانایی علمی محققان یک حوزه علمی باشد تا سبب ارتقای دائمی تولیدات علمی آن عرصه گردد. به نظر می‌رسد فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی در طول حدود ۳۴ سال تجربه کاری خود توانسته است کم‌وبیش این استاندارد و مرز علمی تعالی‌بخش را رعایت کند، به طوری که اگر مقایسه‌ای بین سطح علمی مقالات شماره‌های اول و مقالات شماره‌های آخر انجام شود، ارتقای سطح علمی آن مشهود است.

اما آیا رعایت این استاندارد مهم علمی را در نشریات یک کشور صرفاً باید به دست مسئولان نشریات واگذار کرد؟ البته که پاسخ منفی است. اگر نظارت علمی بیرونی بر عملکرد نشریات نباشد نمی‌توان از ارتقای کیفی آن‌ها مطمئن بود. در کشورهای پیشرفته این نظارت توسط سازوکار بازار و به وسیله اعضای هیئت تحریریه و انجمن‌های علمی و نهادهای مشابه آن‌ها اعمال می‌شود و به شکل‌های مختلف بر استاندارد علمی مجلات و اثربخشی آن‌ها نظارت می‌شود.

در کشور ما نیز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یکی از این نهادهای نظارت کننده بر کیفیت نشریات علمی است. راقم به عنوان کسی که مسئولیتی هم در کمیسیون نشریات وزارت علوم داشته است، در عین داشتن نقدهایی بر عملکرد نظارتی کمیسیون نشریات، کلیت آن را برای مدیریت علمی نشریات کشور لازم و مفید می‌داند. با توجه به نقشی که نشریات علمی کشور در تولید و توسعه علمی از یک طرف و ارزیابی و ارتقای موقعیت و رتبه علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها از طرف دیگر دارند، ضرورت اساسی دارد که نظامی برای نظارت، پایش و ارزیابی کیفیت نشریات علمی طراحی و اجرا شود که در عین کمک به حفظ و اعتلای استاندارد تولیدات علمی کشور، بازدارنده نقش قضاوت عمومی مصرف کنندگان درباره وضعیت مجلات علمی نیز نباشد. به نظر مؤلف به جای سخت گیری درباره اعطای مجوز انتشار مجلات بهتر است سخت گیری درباره نظارت بر کیفیت مجلات به عمل آید، به طوری که مجلاتی که محتوای آن‌ها از کیفیت مناسب برخوردار نباشند، از درجه علمی نازلی برخوردار گشته و یا اساساً مقالات منتشر شده در آن‌ها فاقد امتیاز علمی تلقی شوند. در عین حال باید سطح مجلات و نشریات علمی تنها عامل تعیین کننده کیفیت مقالات منتشر شده در آن‌ها نباشد، بلکه کیفیت تک تک خود مقالات هم در ارزیابی‌های علمی مقالات نویسندگان مدنظر قرار گیرد. چه بسا نشریات با سابقه‌ای که ممکن است مقالات ضعیفی در آن‌ها دیده شود و یا نشریات کم سابقه‌ای که مقالات ارزشمندی در آن‌ها منتشر شود. روشن است که ارزیابی وضعیت علمی مجلات علمی بر اساس کیفیت تک تک مقالات مندرج در آن‌ها کار بسیار سخت و هزینه‌بری است، کاری که باید برای اختصاص امتیاز به استادان برای ارتقای آن‌ها انجام پذیرد.

به طور کلی، این جانب از سطح علمی مجلات علوم اجتماعی کشور، از جمله فصلنامه علوم اجتماعی، رضایت کامل ندارم؛ اما می‌دانم که این سطح علمی محصول توان علمی کشور، انتظارات وزارت علوم و دانشگاه‌های کشور از پژوهشگران، شیوه امتیازدهی به مقالات و نقش آن در ترفیع و ارتقای استادان، عدم تعامل علمی جدی بین پژوهشگران،

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | ق

عدم استفاده از مقالات تولیدشده برای رفع نیازهای کشور، عدم وجود و امکان نقد جدی تولیدات علمی، احساس عدم استقلال علمی لازم در بعضی از حوزه‌ها و سایر عوامل پیچیده و بهم‌پیوسته است. در زیر اشاره‌ای به هر یک از موارد فوق و نقش آن در کیفیت علمی مقالات و مجلات علمی می‌نمایم. لازم به ذکر است که هدف مؤلف در این قسمت نقد علوم اجتماعی کشور، یا نقد خاص مقالات فصلنامه علوم اجتماعی نیست که سرور ارجمندم دکتر مرتضی فرهادی، به‌عنوان سردبیر وقت فصلنامه علوم اجتماعی به‌خوبی به آن پرداخته‌اند (فرهادی، ۱۳۹۴؛ و فرهادی و سالمی قمصری، ۱۳۹۸)، بلکه هدف صرفاً اشاره‌ای به عوامل کاهنده کیفیت مقالات علوم اجتماعی است.

توان علمی پژوهشگران علوم اجتماعی تابع عواملی است چون سطح علمی و انتظارات مؤسسات مربوط، منابعی مادی و انسانی که در اختیار دارند و انگیزه و استعداد دریافت علم اجتماعی که از آن برخوردارند. متأسفانه برای تولید و انتقال دانش علوم اجتماعی در این مؤسسات سرمایه‌گذاری لازم انجام نمی‌شود، به‌طوری‌که به نظر می‌رسد کیفیت تولیدات آن‌ها، اعم از دانش‌آموختگان و مقالات و کتب، نسبت به بودجه اختصاص‌یافته بهتر و برتر از حد انتظار است. انتظارات دستگاه‌های علمی کشور، از جمله وزارت علوم و دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها، نیز بیشتر از سطح موجود نیست، چراکه مدیران اجرایی این سازمان‌ها به‌خوبی از ضیق امکانات و منابع موجود باخبر بوده و به‌سختی موسسه تحت مدیریت خود را اداره می‌کنند (امیری و سایرین، ۱۳۸۹). از طرفی آنان به‌طور ملموس از مشکلات متعددی که استادان و پژوهشگران با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند آگاه‌اند؛ بنابراین، چگونه می‌توانند انتظارات مافوق تحمل افراد از آنان داشته باشند، در عین این‌که واقف‌اند باوجود منابع لازم سطح کیفی تولیدات علمی آن‌ها می‌توانست بسیار بالاتر باشد.

شیوه امتیازدهی به مقالات و نقش آن در ترفیع و ارتقای استادان و پژوهشگران نیز عامل مهم دیگری است که مانع از ارتقای کیفی مقالات و تولیدات علمی کشور می‌شود، به‌طوری‌که می‌توان گفت امروزه کمی‌گرایی در ارزیابی تولیدات علمی در این مؤسسات

شیوه غالب شده است؛ به عبارت دیگر، در ارزیابی تولیدات علمی به جای توجه به کیفیت اثر و ارتباط آن با نیازهای جامعه و حوزه تخصصی فرد، بیشتر به تعداد آن‌ها توجه می‌شود. وقتی چنین باشد، استادان و پژوهشگران نیز به جای اهمیت به کیفیت این تولیدات به کمیت آن‌ها اهمیت می‌دهند و تلاش می‌کنند به انحاء مختلف تعداد بیشتری مقاله تولید کنند که رضایت مدیران خود را جلب کرده و از فرایند ترفیع و ارتقا عقب نمانند. در این مسیر حتی اگر پراکنده کاری هم بشود، مشکلی ایجاد نمی‌کند، درحالی که سبب هدر رفت منافع و عدم تمرکز پژوهشگران در حوزه مطالعاتی خود و ارتقای کیفیت کار آنان می‌شود. به نظر مؤلف این مشکلی نیست که غیرقابل حل باشد و یا حل آن مستلزم منابع زیادی باشد. صرفاً توجه مدیران و اصلاح آیین‌نامه‌های ترفیع و خاصه ارتقا می‌تواند این مشکل را تا حدی زیادی حل کند.

عدم ارتباط و تعامل علمی جدی بین پژوهشگران عامل دیگری در نزول کیفیت علمی مقالات است. متأسفانه در بین استادان و محققین حتی یک گروه علمی تعامل علمی جدی در ارتباط با علایق و کارهای پژوهشی وجود ندارد، به طوری که کمتر محقق دربارۀ کارهای علمی و پژوهشی خود با دیگران بحث و گفتگو و نظرخواهی می‌کند؛ و کمتر محقق تولیدات علمی دیگران را خوانده و نقد می‌کند، مگر در صورتی که مقررات موجود آن را الزام کرده باشد. در نتیجه اجتماع علمی به معنای واقعی کلمه شکل نمی‌گیرد و هر کس جزیره‌ای جداگانه در «اجتماع علمی» است (قانع‌ی راد، ۱۳۸۵؛ عباس زاده، ۱۳۹۷). تعامل علمی غالباً محدود به استاد و دانشجو و یا همکار علمی در تحقیقات است. اگر مقاله‌ای نام مشترک دارد، غالباً مستخرج از پایان‌نامه یا رساله دانشجو است. حتی در این مورد نیز اکثراً این دانشجو است که مقاله را استخراج و بدون مشارکت یا با مشارکت حداقلی استاد آن را تسلیم مجلات علمی می‌کند که خود از عوامل عمده ضعف کیفیت علمی مقالات وارده به مجلات است.

یکی دیگر از عوامل ضعف کیفیت مقالات تولیدشده کم‌توجهی تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان به آن‌ها برای رفع نیازهای علمی کشور در عرصه‌های مختلف اجتماعی است.

هرچند گاهی از مدیران و دولتمردان شنیده می‌شود که تولیدات علمی با نیازهای واقعی کشور انطباق ندارد، به نظر مؤلف این موضوع، حداقل در علوم اجتماعی، صادق نیست. علوم اجتماعی در کشور تا حد زیادی بومی شده و اکثر تولیدات علمی اصیل علوم اجتماعی در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با نیازهای عرصه اجتماعی کشور است، اما مدیران کشور توجه و اعتماد لازم را به یافته‌های این تولیدات نشان نمی‌دهند (قاضی زاده فرد، ۱۳۸۵). در واقع رابطه متقابلی بین احساس نیاز مسئولان کشور به تولیدات علوم اجتماعی و کیفیت این تولیدات وجود دارد: هر چه مسئولان و تصمیم‌گیران کشور احساس نیاز و توجه بیشتر به تولیدات علوم اجتماعی بنمایند، تولیدکنندگان این منابع احساس مسئولیت و دقت بیشتری در اعتلای علمی خود و کیفیت تولیداتشان خواهند نمود و برعکس؛ بنابراین، تصمیم‌گیرندگان کشور باید توجه داشته باشند که در بسیاری از مسائل اجتماعی نیاز به تخصص‌های مربوط به عرصه اجتماعی دارند و محققان اجتماعی نیز توان لازم را برای شناخت بهتر مسائل کشور و ارائه راه‌کارهای مؤثر برای حل آن‌ها می‌توانند ارائه دهند و به‌کارگیری این تولیدات سبب آزمون و ارتقای آن‌ها خواهد شد. البته با توجه به میان‌رشته‌ای بودن بسیاری از مسائل موجود کشور، شایسته است که تصمیم‌گیران از تیمی از پژوهشگران و متخصصان اجتماعی برای ارائه طریق مؤثر استفاده کنند.

نکته دیگری که مایلیم به آن بپردازم عدم وجود و امکان نقد جدی تولیدات علوم اجتماعی است. می‌توان گفت که هنوز نقد علمی جدی در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی پا نگرفته است و جای نقد مقالات منتشر شده در مجلات علمی ما خالی است. ارتقای کیفیت تولیدات علمی و مقالات مجلات تخصصی، بدون نقد جدی آن‌ها میسر نخواهد شد. لذا ضروری است که هر چه سریع‌تر باب نقد علمی و جدی تولیدات علمی در مجلات گشوده شود. متأسفانه تعارفات موجود در بین پژوهشگران، نگرانی از به هم خوردن روابط دوستی بین آن‌ها با شخصی تلقی کردن نقدها، عدم رعایت ویژگی‌های نقد منصفانه و علمی از یک طرف و عدم تحمل نقد منصفانه علمی توسط تولیدکنندگان از طرف دیگر، باعث شده است که نقد علمی در اجتماع علمی علوم اجتماعی پا نگیرد و

یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقای کیفی مقالات علمی حذف شود. مدیران مجلات علمی و مدیران دانشگاه‌ها و وزارت علوم می‌توانند با الزاماتی، از جمله تشویق نقد مقالات چاپ‌شده، دادن امتیاز لازم به این نوع مقالات، الزام به داشتن مقالات نقد برای ارتقای علمی و غیره راه را برای نقد علمی منصفانه تولیدات علمی و در نتیجه ارتقای کیفی آن‌ها بگشایند (فاضلی، ۱۳۸۴).

متأسفانه حتی نقد جدی آثار علوم اجتماعی غربی نیز بسیار نادر است، در حالی که در خود کشورهای غربی نقدهای فراوانی به آثار علمی دانشمندان نوشته می‌شود که خود سبب ارتقای علمی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های مختلف علمی از جمله علوم اجتماعی می‌گردد. این در حالی است که با توجه بومی نبودن این علوم وارداتی و تفاوت خاستگاه تاریخی و فرهنگی آن‌ها با کشور ما، می‌باید با نقد جدی بومی‌شده و قابل استفاده در جامعه ایران شوند (Joseph, Reddy & Chatterjee, 1990). بی‌توجهی به اهمیت نقد و ضرورت آن در همه تولیدات علمی کشور، از پایان‌نامه و رساله‌ها گرفته یا کتب و مقالات، هویدا است و این یکی از موانع مهم عدم تعمیق تفکر اجتماعی و پانگرفتن نظریه‌پردازی در این حوزه است که باید به آن پرداخته و چاره‌جویی گردد. طبعاً نمی‌توان چنین فقدان آسیب‌زای نقد علمی را که نشان‌دهنده ضعف علمی و ضعف اجتماع علمی است، به نبود آزادی آکادمیک در اجتماع علمی نسبت داد، مگر برای رفع تکلیف و سلب مسئولیت علمی.

آخرین نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم احساس نداشتن آزادی علمی لازم در بین پژوهشگران بعضی از موضوعات علوم اجتماعی است. گاهی اندیشمندان عرصه اجتماعی در تحقیقات خود به یافته‌هایی می‌رسند که با تمایلات و انتظارات بخشی از مسئولان کشور ناسازگار است و آن‌ها را از اعلام بی‌دغدغه یافته‌های خود نگران می‌کند. این چنین احساس و شرایطی که ناشی از احساس عدم آزادی علمی لازم است، لطمه‌های شدیدی به توسعه و ارتقای کیفیت علمی تولیدات علوم اجتماعی می‌زند (فراستخواه، ۱۳۸۲؛ عالی پور و سایرین، ۱۳۹۹). مسئولان کشور باید به اندیشمندان و محققان علوم

اجتماعی اطمینان خاطر بدهند که یافته‌های علمی که بدون سوگیری خاصی و با روش علمی متقن و قابل قبولی حاصل شده است بدون نگرانی می‌تواند منتشر و مطرح شود؛ و کسی یا نهادی حق ندارد استقلال علمی پژوهشگران را در این زمینه‌ها تحدید و یا تهدید کرده و مانع ارتقای علمی کشور و مانع اصلاحات لازم در کشور گردد. بدیهی است بیشترین آسیب نبود آزادی و استقلال علمی لازم برای اندیشمندان و محققان علوم اجتماعی متوجه کشور و نظام سیاسی خواهد شد. البته اگر یافته‌هایی جانبدارانه و ناقص و غیر روشمند بود، باید مورد نقد نقادان حوزه تخصصی خود قرار گرفته و اصلاح گردد. از طرفی، اصحاب علوم اجتماعی نیز باید شجاعت علمی لازم را برای طرح یافته‌های علمی خود داشته و هزینه احتمالی اعلام یافته‌های خود را پذیرا شوند (خرسند و سایرین، ۱۴۰۱؛ محمدزاده و سایرین، ۱۴۰۳).

در خاتمه، این جانب با توجه به تجربه زیسته‌ای که در سطوح مختلف نشریات علمی کشور داشته‌ام، باید اذعان کنم که راه‌حل ساده‌ای برای مسائل پیچیده نشریات علمی کشور وجود ندارد؛ اما با در نظر گرفتن هدف اساسی ضرورت توسعه علمی برای کشور و جایگاه و اهمیت نشریات علمی برای توسعه علمی، باید هم دست اندرکاران سطح میدانی و خرد نشریات علمی توجه کافی به اهمیت تصمیمات خود در رشد و توسعه علمی کشور داشته باشند و هم تصمیم‌گیرندگان کلان نهادهای علمی در عین ایجاد تسهیلات لازم برای تولید و انتشار تولیدات علمی کیفی و معطوف به نیازهای علمی و تخصصی و اجتماعی کشور باید نظارت لازم را به سطح تولیدات علمی اعمال نمایند. بدون شک توسعه علمی و چشم‌انداز آینده علمی کشور تا حد زیادی وابسته به عملکرد و تولیدات علمی منتشره در مجلات علمی است و مسئولان کشور و مجلات علمی، از جمله درخت برومند و بارور فصلنامه علوم اجتماعی، هر چه در مسیر افزایش کیفیت مقالات علمی تلاش کنند، سبب افتخار آفرینی علمی و اجتماعی بیشتر و ارتقای کیفیت زندگی مادی و معنوی مردم ایران عزیز خواهند بود.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

## منابع

- ابویی اردکان، محمد، سید آیت‌الله میرزایی و فاطمه شیخ شعاعی. (۱۳۹۱). «فرآیند داوری مقالات در مجلات علمی ایران». در *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، دوره ۲۸، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲ (پیاپی ۷۲).
- امیری، مجتبی، سید محمد مقیمی و فاطمه قربانی. (۱۳۸۹). «چالش‌ها، موانع و سازوکارهای نظام‌های بودجه‌ریزی در آموزش عالی: مطالعه‌ی موردی: دانشگاه تهران». *مجله بررسی حسابداری و حسابرسی*، سال هفدهم بهار ۱۳۸۹، شماره ۵۹.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۷۲). «مقدمه»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳ و ۴، زمستان ۷۱ و بهار ۷۲.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۷۳). «لزوم جامع‌نگری در مسائل اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵ و ۶، پائیز و زمستان ۱۳۷۳.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۱). «پیش‌گفتار»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۱.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۷). «درآمدی بر ویژه‌نامه»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴۲ و ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- پیری، صدیقه. (۱۴۰۲). «مقاله‌شناسی شماره ۱ تا ۱۰۰ فصلنامه علوم اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۰۱، تیرماه ۱۴۰۲.
- خرسند، سارا، حیدر جانعلی زاده چوب‌بستی، نادر رازقی. (۱۴۰۱). «آزادی علمی در فضای دانشگاهی، چالش‌ها، استراتژی‌ها و پیامدها». در *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، سال یازدهم، بهار ۱۴۰۱، شماره ۱ (پیاپی ۳۶).
- سالمی قمصری، مرتضی. (۱۳۸۷). «مقاله‌شناسی چهل شماره فصلنامه علوم اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، تابستان ۱۳۸۷.
- سالمی قمصری، مرتضی. (۱۳۹۴). «مقاله‌شناسی هفتاد شماره فصلنامه علوم اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۷۱، اسفند ۱۳۹۴.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۴). «کالبدشکافی و آسیب‌شناسی نقادی در اجتماعات علمی ایران». در *کتاب ماه*، شماره‌های ۹۴ و ۹۵.

رویدن و بالیدن فصلنامه علوم اجتماعی؛ پناهی | و

فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۲). «آزادی علمی». در *مجلس و پژوهش*، سال دهم، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۴۱.

فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۵). «نوبر نارس گیاه مردم شناسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۴ و ۳۵، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.

فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۴). «به راه بادیه رفتن: بررسی انتقادی فصلنامه علوم اجتماعی از آغاز تاکنون». در *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۷۰، پاییز ۱۳۹۴.

فرهادی، مرتضی و مرتضی سالمی قمصری. (بی تا). *به راه بادیه رفتن: نقد علوم اجتماعی و بن‌لادهای آن در ایران*. سمنان: انتشارات حبله رود.

قاضی زاده فرد، سید ضیاءالدین. (۱۳۸۵). «بررسی و تحلیل روش‌های تأمین اطلاعات موردنیاز مدیران (با تمرکز بر مدیران سازمان‌های دولتی ایران)». در *مجله علوم انسانی (دانشگاه امام حسین)*، مهر و آبان ۱۳۸۵، شماره ۶۵.

قانع‌راد، محمدامین. (۱۳۸۵). «وضعیت اجتماع علمی در رشته علوم اجتماعی». در *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۷.

عالی پور، یوسف، صمد ایزدی، ابراهیم صالحی عمران، حجت صفارحیدری. (۱۳۹۹). در *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۱۵.

عباس زاده، محمد و داوود قاسم‌زاده. (۱۳۹۷). «اشتراک دانش؛ حلقه مفقوده در اجتماعات علمی». در *راهبرد فرهنگ*، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۴۲.

محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۴). «برای پدر علوم ارتباطات ایران»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۸ و ۲۹، زمستان و بهار ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴.

محمدزاده، منیژه، ناصر شیربگی، کیوان بلندهمتان، حمیدرضا آراسته. (۱۴۰۳). «الگوی برساخت آزادی علمی در جامعه دانشگاهی ایران». در *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۲۰، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۴.

## References

- Foran, John. (1993). "Theories of Revolution Revisited: Toward a Fourth Generation?" In *Sociological Theory*, Vol. II, No. 1.
- Joseph, George G., Vasu Reddy and Mary Searle-Chatterjee. (1990). "Eurocentrism in the Social Sciences. In *Race and Class*, Vol. 31, No. 4.